

ریشه افول اقتصاد عثمانی از منظر روزنامه‌های نوعثمانی عصر تنظیمات (۱۸۷۶-۱۸۳۹م)

[DOI: 10.61186/pte.58.58.2](https://doi.org/10.61186/pte.58.58.2)

میترا سعادت^۱

سید علاءالدین شاهرخی^۲

محسن رحمتی^۳

چکیده: نوعثمانیان به عنوان اولین منتقدان و متفکران تجددخواه عثمانی در عصر تنظیمات، در پی شناخت علت افول عثمانی برآمدند و از روزنامه به عنوان ابزاری برای ارائه افکار و اندیشه‌های خود در این زمینه بهره گرفتند. در این پژوهش علت افول اقتصاد عثمانی در عصر تنظیمات، از منظر روزنامه‌های نوعثمانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که روزنامه‌نگاران نوعثمانی سیاست‌های نادرست دولتمردان عصر تنظیمات را عامل اصلی افول اقتصاد عثمانی در این عصر می‌دانستند و نمود این سیاست‌ها را در مبحث وام‌های خارجی، سیستم مالیاتی، قراردادهای تجاری با دول غربی، طرح توسعه راه آهن و اجرای قوانین غربی نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: روزنامه‌های نوعثمانی، تنظیمات، افول عثمانی، اقتصاد

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران
saadat.mi@fh.lu.ac.ir

۲ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)
shahrokhi.a@lu.ac.ir

۳ استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران
rahmati.mo@lu.ac.ir تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

The Roots of the Decline of the Ottoman Economy from the Perspective of the Young Ottomans' Newspapers of *Tanzimat* Era

Mitra Saadat¹

Seyed Alaodin Shahrokhi²

Mohsen Rahmati³

Abstract: The “Young Ottomans” were the first modernist thinkers and critics in *Tanzimat* era who sought to recognize the Ottomans Empire decline and used newspaper to express their thoughts and ideas. This paper examines and analyzes the causes of the decline of the Ottoman economy in *Tanzimat* era from the perspective of the Young Ottomans' newspapers. The findings of the research show that the Young Ottomans considered the wrong policies of the statesmen of the *Tanzimat* era as the main reason for the decline of the Ottoman economy in this period and they demonstrated the manifestations of such policies in the context of foreign loans, tax system, trade agreements with western countries, railway development plan and implementation of western laws.

Keywords: Young Ottomans' newspapers, *Tanzimat*, Ottoman decline, economy.

1 PhD student of Islamic History, Lorestan University, Khorramabad, Iran saadat.mi@fh.lu.ac.ir

2 Associate Professor, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran (corresponding author) shahrokhi.a@lu.ac.ir

3 Professor, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran rahmati.mo@lu.ac.ir

Receive Date: 2023/06/14 Accept Date: 2023/10/2

مقدمه

روزنامه‌نگاری در عثمانی^۱، به عنوان یکی از تجلیات جهان مدرن، در سال ۱۸۳۱م. همزمان با اصلاحات سلطان محمود دوم (حک: ۱۸۰۸-۱۸۳۹م.) آغاز شد و در خدمت اهداف و سیاست‌های دولت درآمد. تا سال ۱۸۶۰م. روزنامه‌نگاری رسمی جریان مسلط مطبوعات عثمانی بود^۲ تا اینکه ترکان عثمانی با نشر روزنامه *احوال* در سال ۱۸۶۰م، روزنامه را از انحصار دولت خارج کردند و با زبانی ساده و عامه‌فهم برای آگاه‌سازی جامعه قدم برداشتند. در همین برهه، اولین جریان متفکران تجددخواه عثمانی با عنوان نو عثمانیان پا گرفتند که «نامق کمال»، «علی سعوی»، «ضیا پاشا»، «ابوضیا توفیق» و «مصطفی فاضل پاشا» سرآمد این گروه شناخته می‌شوند.^۳ آنها تحصیل کرده مدارس مدرن و آگاه به افکار و اندیشه‌های غربی بودند و برای نشر افکار و اندیشه‌های خود، به قالب‌های نوشتاری جدید چون روزنامه‌نگاری روی آوردند. ورود آنها به عرصه روزنامه‌نگاری تحولی شگرف به دنبال داشت و برای اولین بار باب انتقاد از ساختار دولت را در روزنامه‌هایی چون *تصویر افکار*، *مخبر*، *حریت*، *عبرت*، *علوم* و *حدیقه* گشودند.^۴

۱ برای آشنایی با تاریخ چاپ و روزنامه‌نگاری در عثمانی، بنگرید به:

رحیم رئیس‌نیا (۱۳۸۹)، *مطبوعات در جهان اسلام (عثمانی، ترکیه، قفقاز، آسیای مرکزی، مسلمانان روسیه و تاتارستان)*، ج ۲، تهران: کتاب مرجع، صص ۱-۱۳۰؛

Orhan Koloğlu (1992), *Osmanlıdan Günümüze Türkiyede Basın*, İstanbul: İletişim Yayınları, ss.11-53.

۲ روزنامه‌های رسمی این دوران تقویم وقایع و جریده حوادث بودند.

۳ برای کسب اطلاعات بیشتر از جریان نو عثمانیان بنگرید به:

Ebuzziya Tevfik (1973), *Yeni Osmanlılar tarihi*, İstanbul: Hürriyet Yayınları, ss.13-796.

Şerif Mardin (1996), *Yeni Osmanlı Düşüncesinin doğuşu*, İstanbul: İletişim Yayınları, ss.17-440.

۴ روزنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش توسط نو عثمانیان پایه‌گذاری شده و حاوی مطالب انتقادی درباره ساختار حکومت و دولتمردان عثمانی است. انتشار روزنامه *تصویر افکار* طی یک دوره در ۸۳۰ شماره، از سال ۱۸۶۲ آغاز شد و در ۱۸۶۸م. خاتمه یافت که در اینجا از مقالات این روزنامه برای پژوهش حاضر بهره گرفته شده است. نشر روزنامه *مخبر* هم طی دو دوره انجام گرفته که دوره اول در ۵۵ شماره، از سال ۱۸۶۷م/۱۲۸۳ق. در استانبول آغاز شد و در همان سال پایان یافت و با عنوان *مخبر* شناخته می‌شود. دوره دوم طی ۵۰ شماره، از سال ۱۸۶۷م. در لندن آغاز شد و در ۱۸۶۸م. به پایان رسید که عنوان *Le Mukhbir* دارد و در این پژوهش بر دوره دوم تکیه شده است. روزنامه *حریت* نیز نشر خود را طی یک دوره در ۱۰۰ شماره، از سال ۱۸۶۸م/۱۲۸۵ق. آغاز کرد و در سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق. به پایان رساند که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. روزنامه *عبرت* نیز در یک دوره با ۱۳۲ شماره نشر خود را از سال ۱۸۷۲م/۱۲۸۹ق. آغاز کرد و در سال ۱۸۷۳م. به پایان رساند که تمام شماره‌های آن از نظر گذرانده شده است. *روزنامه علوم* هم از سال ۱۸۷۰-۱۸۶۹م/۱۲۸۶-۱۲۸۷ق) منتشر شد و طی ۲۵ شماره به کار خود پایان داد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. *روزنامه حدیقه* طی چهار دوره منتشر شد که در اینجا دوره سوم مد نظر قرار گرفته است. این روزنامه توسط ابوضیا توفیق از نو عثمانیان، اداره می‌شد و از سال ۱۸۷۲-۱۸۷۳م/۱۲۸۹-۱۲۹۰ق. در ۵۶ شماره به چاپ رسید.

آنها محتوای روزنامه‌های خود را به بررسی دغدغه اصلی قرن نوزدهم میلادی، یعنی کشف علل افول عثمانی و ارائه راهکار برای برون‌رفت از آن اختصاص دادند و با نگاهی انتقادی نقش سیاست‌های دولت در تشدید وضعیت موجود را مورد بررسی قرار دادند. تا پیش از این هیئت حاکمه به عنوان تنها گروه نخبه در عثمانی، حل مسئله افول را در دستور کار قرار داده بود و برای رفع آن راهکار ارائه می‌داد، اما هیچ‌گاه نقش خود را به عنوان یکی از عوامل تشدید افول، در نظر نمی‌گرفت؛ به همین دلیل متفکران نوع‌ثمنی به عنوان اولین جریان خارج از هیئت حاکمه، به این مسئله توجه کردند و نقش دولت را در افول عثمانی از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش پیش رو اقتصاد عصر تنظیمات ملاک قرار گرفته است تا نشان دهیم که چگونه روزنامه‌نگاران نوع‌ثمنی به نقش دولت و سیاست‌های آن در مسئله افول اقتصادی می‌پرداختند. بر همین اساس، هدف پژوهش دستیابی به نگرشی نو نسبت به مسئله افول اقتصادی از منظر روزنامه‌نگاران نوع‌ثمنی عصر تنظیمات است. از این رو، ابتدا تحولات اقتصادی عصر تنظیمات مورد بررسی قرار گرفته تا با درک زمینه تاریخی به سراغ موضوع مورد بحث برویم.

پیشینه پژوهش

براساس بررسی‌های انجام گرفته، موضوع این پژوهش تاکنون مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته و تنها در اثری از رحیم رئیس‌نیا^۱ اطلاعاتی کلی درباره اقتصاد عثمانی ارائه شده که برای آشنایی با وضعیت اقتصاد عثمانی در قرن نوزدهم، حائز اهمیت است. پژوهشگران ترک نیز علی‌رغم توجه به اقتصاد عصر تنظیمات، به‌طور مستقل به اقتصاد این دوره از نگاه روزنامه‌های نوع‌ثمنی پرداخته‌اند. البته در این میان با پژوهش‌هایی روبه‌رو می‌شویم که تنها بر واکاوی مباحث اقتصادی یک مورد از روزنامه‌های نوع‌ثمنی تکیه داشته و به دنبال کشف عوامل بحران‌های اقتصادی دوره از نگاه روزنامه‌مورد بحث نبوده و صرفاً به تحلیل داده‌های اقتصادی روزنامه اکتفا کرده است. روزنامه حریت^۲ و عبرت^۳ اساس این پژوهش‌ها را تشکیل

۱ رحیم رئیس‌نیا (۱۳۷۴)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز: ستوده.

2 Kenan Demir (2022), *Hürriyet Gazetesine Göre Osmanlı Ekonomisinin Sorunları ve Çözüm Önerileri (1868-1870)*, International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic, Vol.12/31, Ankara.

3 Kenan Demir (2018), *Osmanlıda Kalkınma Tartışmaları İbret Gazetesindeki Ekonomi Yazıları*,

می‌دهند. دسته‌ای دیگر از مقالات تکیه اصلی بحث را بر یک شخصیت نوحثمانی قرار داده و تفکرات اقتصادی آن را براساس منابع مختلف، به‌خصوص روزنامه‌های نوحثمانی مورد بررسی قرار داده‌اند که نامق کمال^۱ و علی سعوی^۲ تکیه اصلی این پژوهش‌ها را تشکیل داده‌اند. گفتنی است این پژوهش‌ها تنها عقاید شخص مورد نظر را مورد بررسی قرار داده و عقاید سایر نوحثمانیان را لحاظ نکرده‌اند. در پژوهشی دیگر^۳ مشکلات اقتصادی قرن نوزده میلادی با تکیه بر روزنامه‌هایی که بیشترین اطلاعات را از وضعیت اقتصادی این دوره ارائه داده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان، روزنامه‌های نوحثمانی چون حریت، عبرت، مخبر، علوم و تصویر افکار هم مورد بررسی قرار گرفته بودند؛ البته دوره سوم روزنامه حدیقه از نگاه نویسنده دور مانده بود. تکیه اصلی بحث صرفاً به دست آوردن درک روزنامه‌های این دوره از وضعیت اقتصادی است و بحران‌های اقتصادی و دلایل شکل‌گیری آن مد نظر قرار نگرفته و همین امر باعث شده است که از نگاه انتقادی به وضعیت اقتصاد این دوره دور بماند. وجه تمایز پژوهش حاضر با آن، تأکید مبحث اصلی بر روزنامه‌های نوحثمانی و واکاوی نگاه انتقادی آنها به سیاست‌های دولتی به عنوان یکی از عوامل افول اقتصاد است.

۱. وضعیت اقتصاد عثمانی در عصر تنظیمات

عثمانی چندین سده به سبب موقعیت مناسب جغرافیایی و قرار گرفتن بر سر راه آسیا به اروپا، تجارت منطقه را در دست داشت، اما جهان غرب به دنبال رنسانس با پیشرفت‌های اقتصادی و نظامی و کشف راه‌های جدید دریایی، به مرور جایگاه برتر اقتصاد عثمانی را در منطقه تحت‌الشعاع خود قرار داد. به دنبال آن، شکست‌های نظامی قرون هفده و هجده میلادی از دول غربی (پورگشتال، ۱۳۶۹: ۳۶۹۵/۵)، به از دست رفتن بخش مهمی از قلمرو و سهم بزرگی از درآمدهای مالیاتی و کالاهای تولید تجاری آن انجامید.

→
Ekonomik ve Sosyal Araştırmalar Dergisi, Cilt.14, Yıl.14, Sayı.12.

- 1 Musa Çadırcı (1991), "Namık Kemal'in Sosyal ve Ekonomik Görüşleri", *OTAM*, Sayı12; Melih Yücel Kaplan (2011), "Omanlıda Tanzimat Sonrasında İktisadi Düşünce ve Namık Kemal", Yüksek Lians Tez, Kırıkkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Ana Bilim Dalı.
- 2 Kenan Demir (2018), *Ali Suavinin İktisadi Görüşleri*, Bingöl Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergi, Yıl.8, Cilt.8, Sayı.16.
- 3 Kenan Demir (2019), *Osmanlı Basımına Göre Osmanlı Devletinin İktisadi Sorunları ve Çözüm-Önerileri (1831-1876 dönemi)*, Afyonkocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt.21, Sayı.14.

به تدریج جریان غرب بر اقتصاد داخلی عثمانی نیز تأثیر گذاشت. جهان غرب به دنبال انقلاب صنعتی سطح تولید محصولات خود را افزایش داد و به دنبال بازاری برای فروش محصولات خود و تأمین مواد خام مورد نیاز کارخانه‌هایش بود. عثمانی هم از بازار مستعد برای فروش محصولات برخوردار بود و هم توانایی تأمین مواد خام مورد نیاز صنایع غرب را داشت؛ به همین دلیل به دنبال کسب موقعیت مناسب برای دستیابی بدان‌ها برآمدند. ضعف نظامی دولت در سرکوب شورش محمدعلی پاشا حاکم مصر (حک: ۱۸۰۵-۱۸۴۸م) علیه عثمانی و لزوم حفاظت از تمامیت ارضی خود، این فرصت را در اختیار دول غربی قرار داد. دولت انگلیس در ازای اخذ امتیازات تجاری، به عثمانی قول حمایت داد (علیه، ۱۳۳۲ق: ۳۷)؛ به همین دلیل دولت در سال ۱۸۳۸م. قرارداد «بالتالیمانی»^۱ را با انگلیس امضا کرد و به مواردی چون آزاد شدن واردات محصولات صنعتی به عثمانی، کاهش سطح عوارض گمرکی برای کالاهای وارداتی از غرب و معافیت تجار غربی از پرداخت مالیات، به‌جز تعرفه‌های صادراتی و وارداتی، تن داد (عیسای، ۱۳۶۸: ۲۸). به دنبال آن، سایر دول غربی نیز مشابه این قرارداد را با عثمانی منعقد کردند.

این قراردادها امکان اعمال قدرت در قلمرو و اتخاذ سیاست‌های تجاری مستقل را از دولت گرفت. بازارهای عثمانی با سیل ورود محصولات غربی قبضه شد و اقتصاد سنتی عثمانی که توانایی رقابت با اقتصاد صنعتی غرب را نداشت، کم‌کم رو به نابودی رفت. تمرکز دولت بر اصلاحات نظامی، فرصت انجام اصلاحات اقتصادی و کم کردن فاصله خود با پیشرفت‌های صنعتی غرب را از دولت گرفته بود. در این میان، کارخانه‌های مدرنی که توسط دولت ایجاد شده بود، کارایی چندانی در صنعتی‌سازی عثمانی نداشتند؛ همه آنها در خدمت تأمین نیازهای نظامی بودند و تنها مورد استفاده دولت قرار می‌گرفتند (Ortayli, 2007: 100). پس از مدتی به دلایلی چون کمبود بودجه، ورشکستگی، زلزله، بی‌آبی محصولات کشاورزی، نبود راه‌های مناسب و تجهیزات حمل‌ونقل مدرن، عدم توانایی در پرداخت حقوق کارگران و نبود استادان آشنا به فنون غربی، رو به زوال رفتند (اینالجیق و دانلی اوغلو، ۱۳۹۱: ۵۹۱-۶۰۲)؛ به همین دلیل اقتصاد عثمانی در این عصر همچنان بر روش سنتی اداره می‌شد. بدین ترتیب، پیامدهای

۱ قرارداد بالتالیمانی (Baltalimani) در سال ۱۸۳۸م. بین مصطفی رشید پاشا و سفیر انگلیس در تنگه بسفر بسته شد. طبق این قرارداد، دولت عثمانی حق اعمال یا محدود کردن واردات و صادرات کالا در عثمانی را از دست داد.

امتیازات نام‌برده دامن اقتصاد عثمانی را گرفت و خودکفایی دولت را در عرصه اقتصادی از بین برد.

گفتنی است غربی‌ها بدان بسنده نکردند و نفوذ خود را در عرصه اصلاحات هم اعمال کردند. اصلاحاتی که زمانی برای افزایش قدرت عثمانی در برابر غرب آغاز شده بود، در دوره تنظیمات تبدیل به وسیله‌ای برای تأمین اهداف غرب شد؛ به طوری که فشارهای دول غربی بر دولت برای اعمال اصلاحات مورد نظر آنان، بر بحران‌های اقتصادی کشور افزود. دولت نیز به علت عدم توانایی در تأمین منابع مالی اصلاحات مورد نظر، به سمت اخذ وام‌های خارجی و واگذاری بیشتر امتیازات به غربی‌ها رفت، اما این امر بحران‌های اقتصادی عثمانی را چنان شدت بخشید که دولت در سال ۱۸۷۵م. اعلام ورشکستگی کرد و استقلال اقتصادی خود را در برابر غرب از دست داد (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۸۰).

در این شرایط عثمانی نیازمند دولتمردانی با درایت و آگاه به مسائل داخلی و خارجی بود که در مواجهه با نفوذ غرب و مشکلات اقتصادی بتوانند با اعمال سیاست‌های درست مانع از تشدید بحران‌های اقتصادی شوند، اما دولتمردان عثمانی از چنین ویژگی‌ای برخوردار نبودند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۷؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۱، ص ۱). سیاست‌های نادرست آنها نه تنها به تشدید بحران‌های اقتصادی، بلکه در نهایت به افول اقتصاد عثمانی انجامید (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۸؛ عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۱۹، ص ۱؛ Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.2-4; Le Mukhbir, 1867: nr.15, s.2).

۲. نقد سیاست‌های دولت در موضوع وام‌های خارجی

یکی از مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی مورد انتقاد روزنامه‌های نوعثمانی، اخذ وام‌های خارجی بود^۲ که در نبود دولتمردان با درایت و آگاه به امور مالی، تبعات نامطلوب آن دوچندان شد

۱ برای نمونه‌های دیگر بنگرید به: حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۴، ص ۴؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۷، ص ۴؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۹، ص ۴؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۱۸، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۱۹، ص ۷؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۸؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۴۰، ص ۷؛ همان، ۱۲۸۶ق: ش ۷۸، صص ۳-۴؛ عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۱۹، ص ۱؛ Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.2-4; Le Mukhbir, 1867: nr.15, s.2

۲ برای اطلاع بیشتر درباره میزان وام‌ها و سیاست استقراضی دولت عثمانی بنگرید به:

Biltekin Özdemir (2009), *Osmanlı Devleti Dış Borçları*, Ankara: Ankara Ticaret Odası Yayını, ss.45-72; Topar Çağlayan (1980), *Osmanlı Dış Borçlarının Neden ve Sonuçları (1854-1923)*, Maliye Dergisi, Sayı 47, Maliye Tetkik Kurumu, s.28; Cevdet Küçük ve Tefik Ertüzün (1994), *Dünyun-ı*

(حریت، ۱۲۸۵ق: شماره ۲۱، ص ۷؛ حریت، ۱۲۸۶ق: ش ۶۲، ص ۳؛ Le Mukhbir, 1867: nr.1, s.4؛ حریت، ۱۲۸۵ق: شماره ۲۱، ص ۷؛ حریت، ۱۲۸۶ق: ش ۶۲، ص ۳؛ Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.2-4؛ Le Mukhbir, 1867: nr.15, s.4). دولت عثمانی با شروع جنگ کریمه (۱۸۵۳-۱۸۵۶م) متحمل هزینه‌های سرسام‌آوری شد که حدود یازده تا سیزده میلیون پوند تخمین زده می‌شد (عیساوی، ۱۳۶۸: ۸۳). تأمین چنین هزینه‌ای با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی، از عهده دولت خارج بود؛ به همین دلیل دولتمردان عثمانی در سال ۱۸۵۴م. برای اولین بار سیاست أخذ وام خارجی را در پیش گرفتند، اما دریافت این وام‌ها به دوران بحرانی جنگ محدود نشد و پس از پایان جنگ نیز جریان استقراض خارجی را ادامه دادند و از آن به عنوان تأمین کسری بودجه دولت استفاده کردند (krray, 1993: 205-221).

۱-۲. اسراف وام‌های گرفته شده: دولتمردان عثمانی در مدیریت وام‌ها ناتوان بودند؛ چنان‌که به جای سرمایه‌گذاری وام‌ها برای تولید و افزایش ثروت، آنها را در موارد غیرضروری چون تأمین هزینه‌های تجمل‌گرایانه خرج کردند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۲، ص ۵؛ Le Mukhbir, 1867: nr.12, s.2؛ Le Mukhbir, 1867: nr.1, ss.1-2).^۱ تقلید مظاهر غربی و تجمل‌گرایی با آغاز جریان اصلاحات در عثمانی بلای جان دولت شده بود و در حال نابود کردن عثمانی بود. أخذ وام‌های خارجی، حس تجمل‌گرایی درباریان و دولتمردان را دوچندان کرد. آنها خود را در برابر ثروتی عظیم دیدند که می‌توانست تمام خواسته‌های تجمل‌گرایانه آنها را تأمین کند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۷، ص ۴؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۳). ساخت کاخ‌های مجلل، تئاترها، تفرجگاه‌ها، خرید ابزارآلات موسیقی غربی، به کارگیری هنرپیشگان اروپایی، رقاصان باله، خرید تسلیحات و جنگ‌افزارهای نظامی، کشتی‌های مدرن، خدمتکاران و کارمندان متعدد و هدایای دولتی، مواردی از این تجمل‌گرایی بود که هزینه تمام آنها از محل وام‌های استقراضی تأمین می‌شد (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۸، صص ۱-۲، ۴؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۱۹، ص ۷؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۰، ص ۶؛ حقیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۶، صص ۲-۳؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۹، ص ۱؛ Le Mukhbir, 1867: nr.9, s.4؛ Le Mukhbir, 1867: nr.6, s.3). این ریخت و پاش‌های غیرضروری چنان

→

Umumiyye, Cilt 10, Istanbul: ss.58-62

۱ برای اطلاع از دیگر مصادیق اسراف در این دوره، بنگرید به: حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۳؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۷؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۲، ص ۵؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۳۸، ص ۲؛ عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۱۹، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۱، ص ۱؛ علوم، ۱۲۸۷ق: ش ۱۷، صص ۱۰۵۵-۱۰۵۸؛

Le Mukhbir, 1867: nr.7, s.1؛ Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.2-4؛ Le Mukhbir, 1867: nr.14, ss.1-4؛ Le Mukhbir, 1867: nr.15, ss.3-4؛ Le Mukhbir, 1868: nr.18, ss.1-2؛ Le Mukhbir, 1868: nr.25, s.3.

میزان هزینه دولت را نسبت به درآمد آن افزایش داده بود (Davison, 1963: 113) که حتی از سطح یک کشور اروپایی چون فرانسه هم بالاتر رفته بود (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۳؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۱۹، ص ۷؛ همان، ۱۲۸۶ق: ش ۶۳، ص ۵).

۲-۲. بهره بالای وام‌های دریافتی: قبول پرداخت بهره بالای وام‌های دریافتی از سوی دولتمردان، تأثیر این سیاست نادرست را دوچندان کرد. این وام‌ها بهره‌های بالای ۶ درصد داشتند و گاهی نصف درآمد دولت عثمانی صرف بازپرداخت آنها می‌شد. دولتی که پشتوانه لازم برای بازپرداخت اصل وام‌ها را نداشت (تصویر/افکار، ۱۲۸۳ق: ش ۴۳۲، ص ۱)، بی‌گمان از توانایی پرداخت چنین بهره‌ای نیز ناتوان بود. این در حالی بود که خود دول غربی برای وام‌های دریافتی خود بهره بالای ۴ درصد وضع نمی‌کردند (علوم، ۱۲۸۶ق: ش ۲۰، صص ۱۲۳۸-۱۲۴۱)؛ به همین دلیل زمانی که دولت از بازپرداخت وام‌ها بازمی‌ماند، به‌ناچار وامی دیگر درخواست می‌داد و به شرایط سنگین‌تری تن می‌داد که در نهایت، سهم بدهی خارجی دولت افزایش می‌یافت (کارپات، ۱۳۹۹: ۶۱).

۲-۳. روش‌های نادرست تأمین بودجه برای بازپرداخت وام: نبود پشتوانه مالی لازم برای بازپرداخت وام‌های دریافتی، دولتمردان عثمانی را به در پیش گرفتن سیاست‌های نادرست دیگری به منظور تأمین بودجه مورد نیاز سوق داد. یکی از این سیاست‌ها نشر «اوراق قرضه» (پول کاغذی) در بازار بود. دولت به منظور تأمین سرمایه مورد نیاز خود، اقدام به نشر اوراق قرضه با سود ۱۲/۵٪ کرد (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۷؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۲، ص ۵). بسیاری از مردم برای کسب سود، اقدام به خرید اوراق مورد نظر کردند، اما با کاهش ارزش پول عثمانی، دولت توانایی پرداخت اصل و بهره اوراق را از دست داد. به دنبال آن، دولت با اعلام عدم توانایی در پرداخت سود مورد نظر، به مردم چنین وعده داد که از این پس دارندگان اوراق تنها نیمی از سود تعیین‌شده را دریافت خواهند کرد و بقیه طی پنج سال با بهره ۵ درصد پرداخت می‌شود (بالفور، ۱۳۷۳: ۵۲۷). این تصمیم با اعتراض بسیاری از مردم و روزنامه‌ها روبه‌رو شد (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۲، صص ۱-۲؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۷؛ Le Mukhbir, 1867: nr.9, s.4).

دولت با این کار بر میزان بدهی‌های خود افزود و اعتماد مردم را از دست داد.

گفتنی است پیامدهای این تصمیم بدین جا ختم نشد. مردم از اوراق مورد نظر در خرید و فروش استفاده کردند و همین امر ضرر و زیان بیشتری به بار آورد (Davison, 1963: 111-112):

به طوری که قیمت بسیاری از کالاها در بازار به خصوص در مناطقی مثل ازبک و قبرس دو برابر شد (تصویر افکار، ۱۲۷۹ق: ش ۶۸، ص ۱؛ همان، ۱۲۷۹ق: ش ۷۰، ص ۲). از طرفی بسیاری از سودجویان نیز از فرصت استفاده کردند و اوراق یا اسکناس‌های تقلبی را وارد بازار کردند (تصویر افکار، ۱۲۷۹ق: ش ۱۶، ص ۱؛ همان، ۱۲۷۹ق: ش ۳۲، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۲ق: ش ۳۵۹، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۳ق: ش ۴۵۰، ص ۲). مشکلات ناشی از این سیاست، در نهایت دولت را بر آن داشت تا با ضرر بسیار، اوراق را از سطح بازار جمع‌آوری کند (تصویر افکار، ۱۲۷۹ق: ش ۱۰، ص ۳؛ همان، ۱۲۷۹ق: ش ۲۶، صص ۱-۲).

واگذاری امتیاز بهره‌برداری از منابع و معادن کشور در قبال بازپرداخت بدهی خود، از دیگر تدابیر دولت بود که ضرر بسیاری به منافع عمومی وارد کرد؛ زیرا سود حاصل از آن خیلی بیشتر از وام پرداختی بود (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، صص ۱-۲). نمونه این امر واگذاری مالیات عشر مناطقی چون ادرنه و سلانیک در قبال بازپرداخت وام‌ها به دول غربی بود که این امر مورد انتقاد روزنامه‌ها قرار گرفت (Le Mukhbir, 1868, nr.28, s.4). دولتمردان با این روند نه تنها سودی عاید کشور نکردند، بلکه منابع و معادن با ارزش آن را گرو می‌گذاشتند. افزایش مالیات‌های دریافتی از مردم برای تأمین سرمایه مورد نظر نیز یکی دیگر از این سیاست‌های نادرست بود. دولت وام‌های خارجی را به نام مردم و برای تأمین هزینه‌های مربوط به آموزش و بهداشت و جاده‌سازی دریافت می‌کرد، اما نه تنها این وام برای امور مورد نظر خرج نمی‌شد، بلکه مردم را نیز ملزم به پرداخت مالیات اضافه برای بازپرداخت وام می‌کردند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۱۹، ص ۱؛ علوم، ۱۲۸۶ق: ش ۱۰، صص ۶۰۷-۶۱۲؛ Le Mukhbir, 1868: nr.34, s.4; Le Mukhbir, 1868: nr.36, s.1; Le Mukhbir, 1868: nr.37, s.1). به همین دلیل روزنامه‌ها نیز مردم را متوجه این امر می‌کردند که وقتی وام‌ها خرج امور رفاهی شهروندان نمی‌شود، مردم هم مسئولیتی در قبال بازپرداخت وام‌ها ندارند. آنها حتی دول غربی را خطاب قرار می‌دادند و از زبان مردم چنین بیان می‌کردند که وام‌های اخذشده از سوی دولت، وام‌های ملت نیست و اگر زمانی دولت ساقط شود، مردم عثمانی هیچ‌یک از این وام‌ها را پرداخت نخواهند کرد (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۱۹، ص ۱؛ حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، صص ۱-۲؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۲، ص ۵؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۴۰، ص ۷؛ Le Mukhbir, 1868: nr.34, s.4; Le Mukhbir, 1868: nr.36, s.1; Le Mukhbir, 1868: nr.37, s.1). شرایط سنگین وام‌ها و ناتوانی دولت در بازپرداخت آنها، در نهایت به

ایجاد سازمان «دیون عمومی» در سال ۱۸۸۱م منجر شد. نمایندگان دول غربی هم در قبال بدهی عثمانی مالیات‌های دولتی و گمرکات سراسر عثمانی را به دست گرفتند و استقلال مالی عثمانی را از بین بردند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۲۳/۱).

۳. نقد سیاست‌های دولت در موضوع مالیات

روزنامه‌های نوظهور عثمانی بعد از موضوع استقراض، سراغ سیاست‌های نادرست دولتمردان در مورد مالیات رفتند. مالیات منبع مهم درآمد دولت عثمانی بود که بخش اعظم آن از مالیات زمین‌های کشاورزی، گمرک و جزیه تأمین می‌شد. نظام التزام چندین سده مسئولیت جمع‌آوری مالیات را برعهده گرفته بود، اما این سیستم به علت مشکلات متعدد کارایی خود را از دست داده و بر نارضایتی‌ها دامن زده بود؛ به همین دلیل اصلاح نظام مالیاتی با صدور فرمان گلخانه در دستور کار دولت قرار گرفت (Karal, 1999: 13). برنامه اصلاحات مالیاتی با سه هدف کنار نهادن شیوه‌های غیرمستقیم تحصیل مالیات از طریق مقاطعه‌داران و جایگزینی آن از طریق مأموران حقوق‌بگیر دولتی یا محصلان، لغو مالیات‌های گوناگون گذشته و وضع مالیات‌های جدید برحسب درآمد افراد و لغو معافیت‌های مالیاتی قبل به گونه‌ای که همه افراد در پرداخت مالیات به‌طور مساوی شریک باشند، دنبال می‌شد. پس از آن، در دوران تنظیمات مجامع و کمیسیون‌های متعددی چون «مجلس حسابداری ملی» برای اصلاحات مالیاتی ایجاد شد،^۱ اما اجرای این اصلاحات در کل کشور به علت نبود امکانات حمل‌ونقل مناسب، کمبود بودجه کافی و محصلان مالیاتی بادرایت، امکان‌پذیر نبود؛ به همین دلیل اصلاحات مالیاتی را در مناطق نزدیک‌تر اجرا کردند و مناطق دورتر خارج از این طرح قرار گرفتند (Şener, 1990: 51-52).^۲ بنابراین دولت نتوانست سیستم مالیاتی را به‌طور کامل اصلاح کند و مشکلات این عرصه همچنان پابرجا بود. در این میان، رویکرد نابرابر نظام مالیاتی عثمانی بر منابع درآمدی، به عنوان یکی از سیاست‌های نادرست دولت، مشکلات مربوط به این عرصه را دوچندان کرد. روزنامه‌ها نیز با بیان تبعات حاصل از این سیاست، تأثیر آن را در تشدید بحران اقتصادی مورد

۱ برای اطلاع از برنامه‌های اصلاحاتی انجام‌گرفته در حوزه مالیات در عصر تنظیمات، بنگرید به:

Filiz Dürümoğlu (2000), "Tanzimat Devrinde Vergi Sistemine Yapılan Reformlar 1839-1876", *Yüksek Liens Tezi, Anadolu Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü*, ss.50-63

۲ از جمله مناطقی که مشمول این طرح شدند، می‌توان به آناتولی، روملی، ادرنه، سیلیستره، ویدین و نیس اشاره کرد.

بررسی قرار دادند.

۳-۱. نابرابری نظام مالیاتی گمرک: گمرک یکی از منابع درآمد عثمانی بود که سیستم نابرابر مالیات در آن خود را بیشتر نشان می‌داد. دولت با وضع مالیات بر کالاهای وارداتی و صادراتی، بخشی از بودجه مورد نیاز خود را تأمین می‌کرد، اما در نتیجه قراردادهای تجاری متعدد با دول غربی، امتیازاتی چون کاهش نرخ مالیات گمرکی برای تجار غربی اعمال شد (حریت، ۱۲۸۶ق: ش ۴۸، ص ۸؛ عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۵۷، صص ۱-۲). این امتیازات بعد از قرارداد بالتالیمانی در سال ۱۸۳۸م. رو به افزایش گذاشت و نرخ مالیات گمرکی برای کالاهای غربی تا حدود ۳ درصد کاهش یافت و نرخ مالیات ترانزیت برای کالاهای غربی ۵ درصد تعیین شد. این کاهش مالیات نسبت به افزایش حجم واردات، درآمد دولت عثمانی را کاهش داد (تصویر افکار، ۱۲۸۰ق: ش ۱۵۸، ص ۱). دولت که در نتیجه قراردادهای تجاری، حق اعمال مالیات بیشتر بر کالاهای غربی را از دست داده بود، برای جبران کاهش درآمدهای خود، نرخ مالیات گمرک شهروندان عثمانی را تا ۸ درصد افزایش داد (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۳). این وضعیت در جایی مشکل‌ساز شد که یک تاجر بومی برای انتقال یک کالا از یک منطقه به منطقه دیگر، گاه مجبور به پرداخت چندین مالیات می‌شد و این مسئله قیمت کالای بومی را در برابر کالای خارجی به شدت افزایش می‌داد و توان رقابت با محصولات غربی را از آن می‌گرفت (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۳؛ عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۵۷، صص ۱-۲).

۳-۲. نابرابری در نظام مالیاتی شهرها: علاوه بر موضوع گمرکات، این نابرابری در پرداخت‌های مالیاتی شهرها نیز نمود یافته بود. روزنامه‌ها عمق نابرابری در پرداخت مالیات را با مقایسه میان دو منطقه استانبول و آناتولی نشان می‌دهند. منطقه آناتولی با وجود آنکه از لحاظ اقتصادی نسبت به استانبول ضعیف‌تر بود، مشمول پرداخت مالیات قرار گرفت، اما استانبول از پرداخت هرگونه مالیات معاف بود (حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۵، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۷، ص ۱). این مسئله باعث شد روزنامه‌ها دلایل معافیت استانبول از مالیات را مورد کنکاش قرار دهند و ضمن غیرموجه دانستن آنها، پیامدهای ناشی از این سیاست نادرست را مورد بررسی قرار دهند.

از نظر آنها آنچه مانع از وضع مالیات برابر میان استانبول و سایر شهرها می‌شد، همانا از دست رفتن حق اعمال مالیات از سوی دولت بر شهروندان غربی بود. با توجه به اینکه این منطقه بیشترین ساکنان غربی را در خود جای داده بود، دولت تحت تأثیر امتیازات متعدد داده شده

به آنها، شهر استانبول را هم مشمول معافیت مالیاتی قرار داد، اما این مورد هم از سوی روزنامه‌ها غیرقابل قبول بود؛ زیرا از نگاه آنان خارجی‌های ساکن این مناطق صاحب املاک رسمی در استانبول بودند، پس باید مشمول دریافت مالیات می‌شدند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۵۷، ص ۱؛ حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۸؛ حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۶، صص ۴-۵؛ Le Mukhbir, 1867: nr.15, s.4؛ حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۸؛ حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۶، صص ۴-۵؛ Le Mukhbir, 1867: nr.11, s.4؛ به‌ویژه آنکه با امتیازات سال ۱۸۶۷م. قانونی بودن خرید املاک توسط آنها به اجرا درآمده بود (انگلهارد، ۱۳۲۸ق: ۱۸۰). از سوی دیگر، معافیت مالیاتی بانکداران و مأموران عالی‌رتبه نیز بخشی دیگر از انتقادات روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده بود (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۸۷، ص ۲؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۷، ص ۱). معافیت مالیاتی چنین افراد توانمندی قابل توجیه نبود و دولت با این کار سهم بزرگی از درآمد خود را از دست داد. در نتیجه، برای جبران درآمد از دست رفته از این عرصه، مالیات‌های مردم را افزایش داد. این نابرابری حتی در مالیات پرداختی اشخاص نیز به چشم می‌خورد؛ به‌طوری که یک صراف صاحب ثروت و یک باربر به یک اندازه مالیات پرداخت می‌کردند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۸۸، ص ۲؛ حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۸، ص ۴؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۷؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۷، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۲۳، ص ۱). این امر به فقیرتر شدن افراد کم‌درآمد جامعه و نارضایتی مردم از دولت انجامید (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۱؛ تصویر افکار، ۱۲۸۶ق: ش ۷۲۶، ص ۲؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۲۰، ص ۲).

۳-۳. نبود قوانین منظم مالیاتی: بی‌درایتی و ناآگاهی دولتمردان در تعیین قوانین مناسب مالیاتی، بر سیاست‌های نادرست مالیاتی آنها دامن می‌زد؛ به‌طوری که به دلیل در دست نداشتن آمار دقیق نسبت به ملک، محصول و نفوس مناطق مختلف که به علت ثبت نشدن دفاتر محاسباتی یا ثبت ناقص آمار دفاتر به وجود می‌آمد، توانایی تعیین مالیات متناسب با هر منطقه را نداشت (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۲، ص ۵؛ Le Mukhbir, 1867: nr.6, ss.3-4؛ درحالی که طبق فرمان گلخانه، دولت می‌بایست با تدابیر مناسب این مشکل را برطرف می‌کرد، اما دولت با از دست دادن منابع درآمدی و افزایش هزینه‌ها، توانایی اختصاص بودجه برای برطرف کردن این امر را نداشت و این مسئله همچنان طی قرن نوزدهم پیامدهای نامطلوبی در عرصهٔ مالیاتی بر جای گذاشت. روزنامه‌ها أخذ مالیات‌های بیش از توان منطقه را یکی از پیامدهای این امر عنوان کرده‌اند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۹۳، ص ۱؛ Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.1-2). در کنار

این امر، ثابت نبودن زمان مالیات‌گیری نیز بر مشکلات مردم اضافه شده بود (Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.3-4) و کشاورزان هر زمان از سال انتظار دیدن مأموران مالیاتی را داشتند. این وضعیت در شرایطی بیشترین آسیب را وارد می‌کرد که مأموران مالیاتی قبل از به بار نشستن محصول و تعیین میزان مالیات متناسب با محصول، به سراغ کشاورزان می‌رفتند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۶۱، ص ۲؛ تصویر/افکار، ۱۲۸۱ق: ش ۲۲۴، ص ۱). حتی در مواردی برای محصول آسیب‌دیده از شرایط جوی و محیطی نیز مالیات تعیین می‌کردند و در این میان کشاورز بیشترین ضرر را متحمل می‌شد (تصویر/افکار، ۱۲۸۰ق: ش ۱۹۳، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۲ق: ش ۳۰۵، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۲ق: ش ۳۵۳، ص ۱؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۱، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۲۷، ص ۲).

پیامدهای دیگر این سیاست، گرفتار شدن کشاورزان در دام نزول‌خواران بود. روزنامه‌نگاران نوع‌ثمنی معتقد بودند چنین سیاست‌هایی مانع از شکل‌گیری سرمایه در دست مردم می‌شود و کشاورزان برای تأمین وسایل مورد نیاز کشاورزی به ناچار سراغ نزول‌خواران می‌روند و وام‌هایی با بهره‌های بالا دریافت می‌کنند، اما تحت شرایط نامطلوب اقتصادی و مالیاتی در بازپرداخت وام با مشکل مواجهه می‌شوند و مجبور به از دست دادن ملک و دارایی خود می‌شوند (Le Mukhbir, 1867: nr.12, ss.1-2). از طرف دیگر، بی‌درایتی دولتمردان راه سوء‌استفاده از مالیات‌های دریافتی را فراهم می‌کرد و با پدیده‌هایی چون فرار مالیاتی و دزدی مأموران از مالیات‌های اخذ شده روبه‌رو می‌شدند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۷، ص ۴). دزدی از مالیات‌های دولتی از همان آغاز تنظیمات یکی از معضلات پیش روی دولت بود و در این میان کسانی چون عزت پاشا، عاکف پاشا و داود پاشا دزدی از مالیات‌ها را به اثبات رسانده بودند (اینالجبیق و دانلی اوغلو، ۱۳۹۱: ۲۰۴-۲۰۵)، اما این مسئله همچنان در دوره تنظیمات به عنوان یک مشکل حل‌نشده باقی ماند؛ به‌طوری که از سال ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۱ م. بسیاری از مأموران به دزدی مالیات اعتراف کرده بودند که روزنامه حریت به نام چند تن از این افراد اشاره کرده است (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، ص ۷).

۴. نقد سیاست‌های دولت در مبحث قراردادهای تجاری با دول غربی

یکی دیگر از سیاست‌های نادرست دولت عقد قراردادهای تجاری ناعادلانه با دول غربی بود؛ قراردادهایی با امتیازات متعدد که تنها منافع دول غربی را تأمین می‌کرد و بیشترین ضرر را به

اقتصاد عثمانی وارد می‌ساخت. سرآغاز این قراردادها با تالیفانی با دولت انگلیس و قراردادهای مشابه با سایر دول غربی بود (Önsoy, 1988: 30-31) که افزایش واردات محصولات صنعتی غرب به بازارهای عثمانی با کمترین تعرفه گمرکی و معافیت تجار غربی از پرداخت مالیات، از جمله مواد منعقدشده در این قرارداد بود.

۴-۱. عدم حمایت دولت از تولید داخلی در برابر محصولات غربی: دولت اگرچه طبق این قرارداد امکان اتخاذ سیاست تجارت خارجی مستقل را از دست داد، اما از سوی دیگر از اعمال طرح‌های حمایتی از اقتصاد داخلی در برابر محصولات غربی نیز خودداری کرد؛ چنان‌که دولت با کاهش عوارض گمرکی محصولات غربی، سطح قیمت این محصولات را نسبت به نمونه مشابه داخلی کاهش داد و بازار عثمانی را تسلیم محصولات غربی کرد (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۳؛ علوم، ۱۲۸۶: ش ۱۲، صص ۷۳۵-۷۴۲)؛ در حالی‌که پیش از جریان اصلاحات، اگرچه امتیازات تجاری با دول غربی به منظور درآمدزایی و کسب منافع برای کشور منعقد می‌شد، اما دولت باز با اعمال انواع طرح‌های حمایتی، از تولید بومی حمایت می‌کرد (Pamuk, 2007: 205).

مردم نیز با مصرف مداوم کالاهای خارجی بی‌کیفیت، هم به تولید بومی ضرر وارد می‌کردند و هم قدرت پسانداز خود را از دست می‌دادند (روزنامه علوم، ۱۲۸۶ق: ش ۱۲، صص ۷۲۷-۷۳۲). محصولات بومی نیز با وجود کیفیت بالا به دلیل عدم حمایت دولت و مصرف‌کننده، قدرت رقابت با محصولات غربی را از دست داده بودند و به دنبال آن بسیاری از صاحبان صنایع به ناچار یا از حجم فعالیت‌های تولیدی خود کاستند و یا مجبور به ترک حرفه خود شدند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۴۲، ص ۸). کاهش تعداد کارگران کارگاه‌های مناطق اشکودا و تروانا، بستن کارگاه‌ها و رکود تجارت منطقه، از آن جمله بود (حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۴۳، ص ۱؛ علوم، ۱۲۸۶: ش ۱۲، صص ۷۲۷-۷۳۲). این کاهش حجم تولید، تعداد بیکاران را افزایش داد و آنها را در جست‌وجوی کار، روانه شهرهایی چون استانبول کرد که تبعات بسیاری به همراه داشت. استخدام بسیاری از بیکاران توسط دولت به عنوان مأموران دولتی، مورد انتقاد روزنامه‌ها قرار گرفت. این سیاست علاوه بر اینکه جامعه را از مهارت‌های این افراد تهی می‌کرد، باعث فراموش شدن صنایع بومی می‌شد (حریت، ۱۲۸۶ق: ش ۴۵، ص ۸). از سوی دیگر، استخدام این افراد در دوایر دولتی بدون توجه به مهارت‌های مورد نیاز، فقط حجم مأموران حقوق‌بگیر دولتی را افزایش

می‌داد و بر هزینه‌های دولت می‌افزود. با توجه به اینکه هزینه‌ها نسبت به درآمدها فزونی گرفته بود، مأموران حقوق‌بگیر توانایی تأمین مخارج خود را از دست دادند و به‌ناچار به رشوه یا درخواست وام‌های سنگین روی آوردند (حریت، ۱۲۸۶ق: ش ۴۵، ص ۸؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۱۰، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۲۳، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۲۵، ص ۳). چنین تبعاتی بیانگر آن بود که دولت بدون توجه به پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت، سیاست‌های خود را به اجرا می‌گذاشت.

۲-۴. واگذاری امتیاز بهره‌برداری از منابع و معادن به دول غربی: از دیگر سیاست‌های مورد انتقاد روزنامه‌ها و واگذاری امتیاز بهره‌برداری از معادن و منابع عثمانی به سرمایه‌داران غربی بود (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۳۰، صص ۱-۲؛ علوم، ۱۲۸۶: ش ۱، صص ۳۲-۳۵). با نابودی صنایع بومی عثمانی، جای آنها را کارخانه‌های سرمایه‌داران غربی برای بهره‌برداری از منابع و معادن خام عثمانی گرفتند. صدور اجازه خرید زمین به شهروندان دول غربی در سال ۱۸۶۷، احداث چنین کارخانه‌هایی را ممکن کرد. روزنامه‌ها آمار بسیاری از ایجاد این کارخانه‌ها در مناطق مختلف عثمانی ارائه داده (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۳۰، صص ۱-۲؛ حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۱۹، ص ۲) و نگرانی خود را از افزایش بی‌رویه بهره‌برداری از منابع خام ابراز کرده بودند. سهم دولت از واگذاری این امتیازها، تنها مالیات‌های دریافتی و حق‌الامتیازهای وضع‌شده بر آنها بود؛ زیرا نه توانایی ایجاد زیرساخت‌های لازم برای بهره‌برداری از آنها را داشت و نه از افراد متخصص در این حوزه برخوردار بود؛ به همین دلیل دولت به جای سرمایه‌گذاری در عرصه صنعت و معدن و استفاده از مزایای آن در درازمدت، تنها به سود کوتاه‌مدت آن بسنده کرد و اجازه تراج منابع و معادن با ارزش کشور را به غرب داد؛ درحالی‌که دولت می‌توانست با سرمایه‌گذاری در منابع و معادن، راه پیشرفت و توسعه را هموار کند و خود را از وابستگی به محصولات غربی نجات دهد (علوم، ۱۲۸۶: ش ۱، صص ۳۲-۳۵).

ضرر حاصل از امتیازات اعطاشده در حوزه تولید و فروش محصولات کشاورزی نیز کمتر از منابع و معادن نبود. سرمایه‌داران غربی تنها به احداث کارخانه برای بهره‌برداری از معادن عثمانی اکتفا نکردند و حق تولید و فروش اختصاصی برخی محصولات کشوری، مثل پنبه و توتون را هم به دست آوردند؛ به همین دلیل بسیاری از زمین‌های کشاورزی را برای تأمین مواد اولیه کارخانه‌های خود، به کشت تک‌محصولی اختصاص دادند. دولت نیز بدون توجه

به تبعات چنین امتیازی، از کشت تک‌محصولی در مناطق مختلف استقبال کرد و حتی با کمک دول غربی کشاورزان را با ارسال ماشین‌های پیشرفته پنبه پاک‌کنی از انگلیس (تصویر/افکار، ۱۲۸۰ق: ش ۱۵۹، ص ۲) و توزیع بذرها مرغوب و وارداتی از آمریکا و انگلیس و مصر، تشویق به کشت تک‌محصولی کرد (تصویر/افکار، ۱۲۸۰ق: ش ۱۹۳، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۱ق: ش ۲۹۰، ص ۱). این امر تبعات نامطلوبی برای کشاورزان عثمانی داشت که روزنامه‌ها مهم‌ترین آنها را کاهش سطح تولیدات کشاورزی مورد نیاز مردم و بروز قحطی‌های گسترده در منطقه برشمردند (علوم، ۱۲۸۶: ش ۱۲، صص ۷۲۴-۷۲۶). مردم نیز برای نجات از گرسنگی، تبدیل به کارگرانی شدند که در زمین‌های سرمایه‌داران غربی در برابر کارهای طاقت‌فرسا دستمزد اندکی دریافت می‌کردند که کفاف زندگی روزمره آنها را نمی‌داد (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۱، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۳۰، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۵ق: ش ۴۲، ص ۸؛ عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۵۲، صص ۱-۲). البته در این میان کشاورزانی هم بودند که در برابر محصولات زراعی مورد حمایت غرب، همچنان به تولید محصولات زراعی بومی ادامه می‌دادند، اما با توجه به اینکه حمایتی از سوی دولت دریافت نمی‌کردند، در مواجهه با مشکلات متعدد ناچار به مهاجرت می‌شدند. نمونه آن را می‌توان در موضوع انحصار توتون و تنباکو مشاهده کرد که دول غربی برای تأمین منافع خود، مانع از خرید و فروش توتون مرغوب بومی می‌شدند (حقیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۲۰، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۲۳، ص ۳؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۳۵، ص ۱) و توتون بی‌کیفیت خود را روانه بازار می‌کردند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۳۰، ص ۱) و دولت هم نمی‌توانست مانع از تخلف آنها شود (حقیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۳۷، ص ۲)؛ به همین دلیل کشاورزان که نه امیدی به بهبود اوضاع داشتند و نه حاضر به کارگری در زمین‌های سرمایه‌داران غربی بودند، به‌ناچار به ایران و روسیه کوچ می‌کردند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۰، ص ۱).

۵. نقد سیاست‌های دولت در موضوع راه‌آهن

سیاست‌های به کار رفته در احداث خطوط راه‌آهن، از دیگر موارد مورد انتقاد روزنامه‌های نوعثمانی بود. این فناوری در جریان اصلاحات مورد توجه مردان تنظیمات قرار گرفت. دولت چنین می‌اندیشید که با اجرای خطوط راه‌آهن، تولید در کشور افزایش می‌یابد و محصولات کشاورزی راهی به بازار پیدا می‌کنند و درآمدهای مالیاتی هم به تبع آن فزونی می‌گیرد

(Kazgan, 2002: 29). از سوی دیگر، دولت مرکزی نیز در برابر شورش‌های داخلی تقویت شد و اعزام سپاه و سلاح را آسان‌تر کرد (ایمبر، ۱۳۲۹ق: ۱۲-۱۶)؛ به همین دلیل بعد از جنگ کریمه ساخت راه‌آهن در عثمانی آغاز شد.^۱ البته روزنامه‌های نعثمانی اجرای این سیاست را به علت فراهم نکردن پیش‌شرط‌های لازم آن از سوی دولت، بی‌فایده می‌دانستند و انتظار بازدهی مناسب از آن را نداشتند.

۵-۱. **نبود صنعت و تجارت پویا:** یکی از این پیش‌شرط‌ها برخورداری از صنعت و تجارتی پویا بود. زمانی که محصولات زراعی، تجاری و صنعتی افزایش پیدا می‌کند و منابع و معادن کشور به منظور تولید در کارخانه‌های صنعتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، حمل‌ونقل پیشرفته سرعت توسعه اقتصادی را افزایش می‌دهد و به افزایش ثروت در جامعه کمک می‌کند (Le Mukhbir, 1867: nr.15, s.4)، اما اقتصاد عثمانی در عصر تنظیمات چنان در بحران‌های اقتصادی غوطه‌ور بود که حتی توانایی حفظ کارگاه‌های تولید سنتی را نداشت (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۲۱، صص ۳-۴) و زراعت و صنعت و تجارت آن تحت تأثیر اقتصاد جهانی، رو به نابودی رفته بود. بدین ترتیب، سیستم حمل‌ونقل پیشرفته در نبود کالا برای جابه‌جایی تأثیری در اقتصاد کشور نداشت و تنها کارکرد مفید آن جابه‌جایی محصولات چون حبوبات بود که آن هم طی یک ماه در سال حمل می‌شد و راه‌آهن یازده ماه باقیمانده سال را بدون استفاده می‌ماند (Le Mukhbir, 1867: nr.15, s.4).

۵-۲. **نبود راه‌های منظم و توسعه‌یافته:** یکی دیگر از پیش‌شرط‌های ساخت راه‌آهن وجود راه‌های فرعی منظم و توسعه‌یافته بود که مناطق دورافتاده را به خطوط اصلی راه‌آهن متصل می‌کرد و اگر مازاد تولید شکل می‌گرفت، مردم می‌توانستند به راحتی آن را به راه‌آهن انتقال دهند، اما وضعیت جاده‌ها در عثمانی چنان نامطلوب بود که حتی اعتراض مردم را برانگیخته بود (تصویر/افکار، ۱۲۸۱ق: ش ۲۴۴، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۱ق: ش ۲۹۵، صص ۱-۲). بنابراین دولت اول باید با هموار کردن و مرمت راه‌ها و تأمین امنیت آنها، شرایط استفاده از راه‌آهن را فراهم

۱ بخشی از خطوط راه‌آهن زمان عبدالمجید ایجاد شد که ۴۵۲ کیلومتر مسافت را پوشش می‌داد. نیمی از این مسافت در روملی میان وارنا و روسچوک در بلغارستان و چرناوودا و کنستانتا در رومانی و نیمی از آن میان بندر ازمیر و شهرهای کاسبا و آیدین کشیده شد. خط آهن معروف به آسیا با مسافت ۵۶۲ کیلومتری از استانبول به ادرنه و صوفیه، راه‌آهن آناتولی در حیدرپاشا، راه‌آهن مودانبیه به بورسا، خط آهن ۶۱۰ کیلومتری ازمیر به آیدین، خط راه‌آهن ازمیر به تورغوتلو و اقیون حصار، خط ادرنه به دده آقچه به سالونیک و مناستر برای ارتباط با مناطق بالکان از جمله خطوط ساخته شده بودند.

می‌کرد و سپس به احداث آن اقدام می‌کرد (علوم، ۱۲۸۶ق: شماره ۱۳، صص ۷۷۲-۷۷۷).

۵-۳. عدم برخورداری از نیروی متخصص داخلی: پیش‌شرط دیگر احداث راه‌آهن، برخورداری از نیروی متخصص داخلی در زمینه احداث راه‌آهن بود. به عقیده آنها اجرای چنین پروژه‌ای باید به دست کسانی انجام می‌شد که با شناخت کافی از مناطق مختلف، خطوط راه‌آهن را در مسیرهای مناسب اجرا کنند تا بیشترین منفعت را برای مردم و دولت داشته باشد، اما دولت به دلیل عدم برخورداری از نیروی متخصص داخلی، اجرای این پروژه را به دول غربی واگذار کرد (حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۱، ص ۳؛ همان، ۱۲۸۹ق: ش ۵، ص ۲) و در ازای احداث آن، انحصار اداره این خطوط و منافع حاصل از آن را برای سال‌های معینی به سرمایه‌گذاران خارجی واگذار کرد. بخشی از هزینه‌های آن را نیز از طریق به انحصار دادن منابع و معادن به غربی‌ها تأمین می‌کرد و برای کارکنان و کارگران مشغول به احداث خطوط نیز در ازای هر کیلومتر خط آهن، حقوق معینی وضع کرده بود و این‌گونه منافع آنها را تضمین می‌کرد (جی‌شوا، ۱۳۷۰: ۲/۲۱۳-۲۱۴).

گفتنی است آنها به خاطر بومی نبودن و آشنایی نداشتن با مناطق مختلف، مسیرهای راه‌آهن را به درستی تعیین نمی‌کردند و حتی به زمین‌های کشاورزی مردم آسیب وارده می‌کردند و نارضایتی به بار می‌آوردند (تصویر افکار، ۱۲۸۱ق: ش ۲۱۸، ص ۱؛ همان، ۱۲۸۲ق: ش ۳۵۴، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۲ق: ش ۳۶۱، صص ۱-۲). خط آهن روملی به آکدنیز و ادرنه به دده آقچه جزو این خطوط محسوب می‌شوند (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۵۸، صص ۱-۲). به عقیده آنها زمین‌های این مناطق باتلاقی و غیرقابل کشاورزی بودند و طغیان رودخانه‌ها کشاورزی منطقه را ضعیف کرده بود (حدیقه، ۱۲۸۹ق: ش ۷، ص ۲)؛ به همین دلیل مسیر ادرنه به گالیبولی را انتخاب مناسب‌تری می‌دانستند؛ زیرا گالیبولی منطقه‌ای بسیار حاصلخیز بود و جزو شهرهای بندری مهم محسوب می‌شد و ساخت خطوط راه‌آهن در این منطقه، سرعت انتقالات منطقه را بالاتر می‌برد و حتی برای جابه‌جایی سپاه نیز امتیاز بزرگی محسوب می‌شد. خط بغداد به اسکودار نیز از کارایی لازم برخوردار نبود. از نگاه روزنامه‌ها اگر هزینه ساخت این مسیر صرف گسترش آن راه‌های فرعی می‌شد که زراعت ۹۹ درصد تولیدات منطقه را شامل می‌شد، مسیر پیشرفت زودتر حاصل می‌شد (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۵۸، ص ۲). بدین ترتیب، در چنین وضعیتی دولت فقط هزینه‌های خود را بالا برده و سودی از آن حاصل نشده بود.

۶. نقد سیاست‌های دولت در زمینه اجرای قوانین غربی

تا پیش از عصر تنظیمات، جامعه تحت حاکمیت قوانین و حقوق اسلامی قرار داشت. چنانچه حقوق مورد نظر نیازی از جامعه را پاسخ‌گو نبود، از حقوق عرفی بهره می‌گرفتند و آن را با فقه اسلامی تطبیق می‌دادند، اما در قرن نوزدهم با افزایش مبادلات تجاری میان اروپا و عثمانی، نیاز به قوانین جدید و محکمه‌های غیردینی شدت یافت. غربی‌ها محکمه‌ها و قوانین شرعی عثمانی را به رسمیت نمی‌شناختند و معتقد بودند با توجه به اینکه مسلمان و غیرمسلمان در عثمانی جایگاهی برابر ندارند، در چنین دادگاه‌هایی حقوق شهروندان غربی پایمال می‌شود؛ به همین دلیل دولت را برای وضع قوانین حقوقی جدید تحت فشار قرار دادند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۴۷/۱-۶۴۹) و به دنبال آن، در دو فرمان «خط شریف گلخانه» (۱۸۳۹م) و «فرمان اصلاحات» (۱۸۵۶م) تلاش برای تدوین قوانینی به منظور ایجاد برابری میان همه افراد، از هر قوم و دین در برابر قانون و تدوین قوانین مربوط به مجازات‌های جدید آغاز شد. به دنبال آن، دولتمردان عثمانی با اقتباس از قانون مدنی فرانسه، حدود ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ قانون ترجمه کردند و کمیسیونی به نام «کمیسیون مجله» طی سال‌های ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۶م. حدود ۱۶ جلد قانون به همین منظور تدوین کرد (انتخابی، ۱۳۹۲: ۸۰-۸۶)، اما آنچه اضطراب علما را در این باره برانگیخت، تأسیس محکمه‌هایی در وزارتخانه بازرگانی بود که با تکیه بر قانون تجارت فرانسه، به اختلافات میان تجار بومی و غیربومی رسیدگی می‌کرد (لوئیس، ۱۳۷۲: ۱۴۶) و دولت نیز تأسیس این‌گونه محکمه‌ها را تا سال ۱۸۶۹م. افزایش داد (زورخر، ۱۳۹۷: ۵۸-۸۳). با توجه به اینکه علمای اسلام قانونی به جز قانون شریعت و محکمه‌ای به جز محکمه‌هایی با قوانین شرعی را به رسمیت نمی‌شناختند، بی‌شک رویارویی با این‌گونه اصلاحات اجتناب‌ناپذیر بود. البته علاوه بر علما، روزنامه‌نگاران نوعثمانی نیز از اجرای این سیاست ناخشنود بودند؛ زیرا آنها مدرن‌سازی را تنها در چارچوب اسلامی قبول داشتند (Mardin, 1996: 57)؛ به طوری که سیاست وضع و اجرای قوانین غربی را به نوعی تضعیف حاکمیت ترکان مسلمان برای تأمین منافع اتباع غیرمسلمان می‌دانستند.

پیامدهای حاصل از این امر، به عدم رعایت عدالت در اختلافات میان مسلمانان و غیرمسلمانان در امور تجاری منتهی شد. دول غربی در کنار امتیاز مصونیت قضایی (Berkes, 1970: 87-88)، با محکمه‌ها و قوانین غربی، حمایت از شهروندان غیرمسلمان را افزایش دادند. بدین ترتیب،

در زمان بروز اختلاف، قوانین موجود برای تأمین منافع غیرمسلمانان اجرا می‌شد. این امر انگیزه تجار مسلمان در تجارت با غیرمسلمانان را از بین برد و ترس شکل‌گیری اختلاف و نبود مراجع عادل برای رسیدگی به شکایات، آنها را از صحنه تجارت دور کرد؛ به‌ویژه آنکه از سوی دولت نیز حمایتی دریافت نمی‌کردند و در مواردی حتی خود دولتمردان از تجار مسلمان سوءاستفاده می‌کردند (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۱، ص ۲؛ همان، ۱۲۸۶ق: ش ۴۷، صص ۳-۴). از دیگر پیامدهای قوانین غربی در جامعه افزایش جرم بود (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۳۷، ص ۸؛ Le Mukhbir, 1867: nr.6, ss.1-4). به عقیده روزنامه‌ها به علت کاهش شدت مجازات در قوانین غربی نسبت به قوانین شرعی، انگیزه ظلم در جامعه افزایش یافت؛ در حالی که در قوانین شرعی به سبب سفت و سخت بودن مجازات با احکام صادرشده، انگیزه جرم نه تنها در فرد خاطی، بلکه در کل جامعه از بین می‌رفت (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۱۹، ص ۷؛ علوم، ۱۲۸۶ق: ش ۶، صص ۳۴۰-۳۴۱). بنابراین متناسب نبودن قوانین غربی با ساختار جامعه عثمانی، مشکلات بسیاری مثل کاهش انگیزه تجارت در جامعه را در پی داشت (عبرت، ۱۲۸۹ق: ش ۹۱، ص ۱). از نظر آنها قوانین شرعی قابلیت برطرف کردن تمام نیازهای جامعه را داشت و این امر طی چندین سده از حکومت عثمانی به اثبات رسیده بود (حریت، ۱۲۸۵ق: ش ۳۶، ص ۳؛ همان، ۱۲۸۶ق: ش ۸۵، ص ۲).

نتیجه‌گیری

نوعثمانیان به عنوان اولین متفکران تجددگرای عصر تنظیمات، به طرح مسئله افول اقتصاد عثمانی در روزنامه‌های خویش پرداختند. به عقیده آنها ناتوانی دولتمردان عثمانی در به کارگیری سیاست‌های درست اقتصادی بر بحران‌های مالی کشور افزوده بود که نمود سیاست‌های نادرست این دولتمردان، در روزنامه‌های نوعثمانی در چندین مبحث خود را نشان داد. مهم‌ترین عرصه وام‌های خارجی بود که این سیاست‌های نادرست علاوه بر تن دادن به وام‌هایی با بهره بالا، به اسراف آن در موارد غیرضروری و تدابیر نادرستی چون افزایش مالیات‌های مردم و نشر اوراق قرضه بدون پشتوانه برای بازپرداخت وام‌ها نیز منجر شد. در عرصه مالیاتی نیز سیاست نادرست نابرابری مالیاتی، بر منابع درآمدی چون گمرک، کشاورزی و مالیات‌های شهری نمود بیشتری داشت. این سیاست‌های نادرست در عرصه قراردادهای تجاری با دول غربی با عدم حمایت از

صنایع بومی در برابر محصولات غربی، واگذاری امتیاز بهره‌بردار از منابع خام عثمانی به دول غربی و واگذاری امتیاز کشت تک‌محصولی به آنها خود را نشان داد. حتی توسعه خطوط راه‌آهن نیز به علت عدم اجرای سیاست‌های درست در جهت فراهم کردن پیش‌شرط‌های لازم چون صنعت و تجارت پویا و راه‌های توسعه‌یافته، کارایی مورد نظر را نداشت و واگذاری اجرای پروژه به نیروهای غیربومی، به تعیین مسیرهای نامناسب منجر شد. از سوی دیگر، سیاست اجرای قوانین و محکمه‌های غربی مغایر با ساختار جامعه عثمانی، سطح بی‌عدالتی و ظلم در عرصه تجارت را افزایش داده بود.

منابع و مآخذ

الف. کتب و مقالات

- احسان اوغلو، اکمل‌الدین و دیگران (۱۳۹۷) دولت و جامعه در دوره عثمانی، ترجمه علی کاتبی و دیگران، ج ۱، تهران: نشر کتاب.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، دین، دولت و تجدد در ترکیه، تهران: هرمس.
- انگلهدارد (۱۳۲۸ق)، ترکیا و تنظیمات دولت عثمانیه؛ نک تاریخ اصلاحاتی ۱۸۲۶-۱۸۱۲، ترجمه علی رشاد، استانبول: قناعت کتابخانه سی.
- ایمبر، پول (۱۳۲۹ق)، عثمانلی ایمبراطور لغنک تجددی، مترجم‌لری حسن فرهاد و معلم آنزه ل، صراط مستقیم مطبعه سی.
- اینالجیق، خلیل و محمد سید دانلی اوغلو (۱۳۹۱)، امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات، ترجمه رسول عربخانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بالفور، جان پاتریک داگلاس (۱۳۷۳)، قرون عثمانی؛ ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی، ترجمه پروانه سناری، تهران: کیهانشان.
- پورگشتال، هامر (۱۳۶۹)، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج ۵، تهران: زرین.
- جی‌شاو، استانفورد (۱۳۷۰)، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید (۱۸۰۸-۱۹۷۵)، ترجمه محمود رمضان‌زاده، ج ۲، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تبریز: ستوده.
- (۱۳۸۹)، مطبوعات در جهان اسلام (عثمانی، ترکیه، قفقاز، آسیای مرکزی، مسلمانان روسیه و تاتارستان)، ج ۲، تهران: کتاب مرجع.

- زورخر، اریک جی (۱۳۹۷)، تاریخ نوین ترکیه، ترجمه نفیسه شکور و حسن حضرتی، تهران: سمت.
- علیه، فاطمه (۱۳۳۲ق)، احمد جودت پاشا و زمانی، [بی‌جا]: قناعت کتابخانه سی.
- عیسای، چارلز (۱۳۶۸)، تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: پایپروس.
- کاریات، کمال هاشم (۱۳۹۹)، تاریخ مختصر ترکیه ۱۸۰۰-۲۰۱۲، ترجمه حسن صادقیان و مصطفی محرمی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لاپیدوس، آیرام (۱۳۷۶)، تاریخ جوامع اسلامی قرن نوزدهم و بیستم، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: مترجم.

ب. روزنامه‌ها

- روزنامه تصویر افکار (۴ صفر ۱۲۷۹ق)، شماره ۱۰، ص ۳.
- (۲۵ صفر ۱۲۷۹ق)، شماره ۱۶، ص ۱.
- (۱ ربیع‌الآخر ۱۲۷۹ق)، شماره ۲۶، صص ۱-۲.
- (۲۲ ربیع‌الآخر ۱۲۷۹ق)، شماره ۳۲، ص ۲.
- (۲ رمضان ۱۲۷۹ق)، شماره ۶۸، ص ۱.
- (۸ رمضان ۱۲۷۹ق)، شماره ۷۰، ص ۲.
- (۳۰ رجب ۱۲۸۰ق)، شماره ۱۵۸، ص ۱.
- (۲۴ رجب ۱۲۸۰ق)، شماره ۱۵۹، ص ۲.
- (۲ ذی‌الحجه ۱۲۸۰ق)، شماره ۱۹۳، ص ۱.
- (۱ ربیع‌الاول ۱۲۸۱ق)، شماره ۲۱، ص ۱.
- (۲۲ ربیع‌الاول ۱۲۸۱ق)، شماره ۲۲، ص ۱.
- (۳ جمادی‌الآخر ۱۲۸۱ق)، شماره ۲۴، ص ۱.
- (۲۶ ذی‌القعدة ۱۲۸۱ق)، شماره ۲۹۰، ص ۱.
- (۱۵ ذی‌الحجه ۱۲۸۱ق)، شماره ۲۹، صص ۱-۲.
- (۱۴ محرم ۱۲۸۲ق)، شماره ۳۰۵، ص ۱.
- (۲۶ رجب ۱۲۸۲ق)، شماره ۳۵۳، ص ۱.
- (۳۰ رجب ۱۲۸۲ق)، شماره ۳۵۴، ص ۲.
- (۲۷ شعبان ۱۲۸۲ق)، شماره ۳۵۹، ص ۱.
- (۷ رمضان ۱۲۸۲ق)، شماره ۳۶۱، صص ۱-۲.
- (۲۱ جمادی‌الآخر ۱۲۸۳ق)، شماره ۴۳۲، ص ۱.

- (٢ رمضان ١٢٨٣ق)، شماره ٤٥، ص٢.
- (٢ صفر ١٢٨٤ق)، شماره ٧٢٦، ص٢.
- روزنامه حقيقه (٨ رمضان ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ١، صص ١-٣.
- (١٣ رمضان ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٥، ص٢.
- (١٥ رمضان ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٦، صص ٢-٣.
- (١٧ رمضان ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٧، ص١.
- (١٩ رمضان ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٩، صص ١-٣.
- (٢٠ رمضان ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ١٠، ص٢.
- (٨ شوال ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ١٩، ص٢.
- (٩ شوال ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٢٠، ص٢.
- (١٢ شوال ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٢٣، صص ١، ٣.
- (١٤ شوال ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٢٥، ص٣.
- (١٨ شوال ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٢٧، ص٢.
- (٣٠ شوال ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٣٥، ص١.
- (٣ ذى القعدة ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٣٧، ص٢.
- (١١ ذى القعدة ١٢٨٩ق)، دوره سوم، شماره ٤٣، ص١.
- روزنامه حريت (٢١ ربيع الآخر ١٢٨٥ق)، شماره ٧، ص٤.
- (٢٨ ربيع الآخر ١٢٨٥ق)، شماره ٨، صص ١-٢، ٤.
- (١٣ جمادى الاولى ١٢٨٥ق)، شماره ١٠، صص ١، ٣.
- (٢٠ جمادى الاولى ١٢٨٥ق)، شماره ١١، ص٢.
- (١٧ رجب ١٢٨٥ق)، شماره ١٩، ص٧.
- (٢٤ رجب ١٢٨٥ق)، شماره ٢٠، ص٦.
- (٢ شعبان ١٢٨٥ق)، شماره ٢١، صص ١-٤، ٧، ٨.
- (١٣ شعبان ١٢٨٥ق)، شماره ٢٢، صص ١-٢، ٥.
- (٧ رمضان ١٢٨٥ق)، شماره ٢٦، صص ٤-٥.
- (٥ شوال ١٢٨٥ق)، شماره ٣٠، ص١.
- (١٧ ذى القعدة ١٢٨٥ق)، شماره ٣٦، ص٣.
- (٢٤ ذى القعدة ١٢٨٥ق)، شماره ٣٧، ص٨.
- (١٥ ذى الحجه ١٢٨٥ق)، شماره ٤٠، ص٧.
- (٢٩ ذى الحجه ١٢٨٥ق)، شماره ٤٢، ص٨.
- (١ محرم ١٢٨٦ق)، شماره ٤٥، ص٨.

- (۵ صفر ۱۲۸۶ق)، شماره ۴۷، صص ۳-۴.
- (۱۲ صفر ۱۲۸۶ق)، شماره ۴۸، ص ۸.
- (۲۲ جمادی‌الاولی ۱۲۸۶ق)، شماره ۶۲، ص ۳.
- (۲۸ جمادی‌الاولی ۱۲۸۶ق)، شماره ۶۳، ص ۵.
- (۶ ذی‌القعدة ۱۲۸۶ق)، شماره ۸۵، ص ۲.
- روزنامهٔ عبرت (۳ جمادی‌الاولی ۱۲۸۹ق)، شماره ۱۹، ص ۱.
- (۱۲ شعبان ۱۲۸۹ق)، شماره ۳۰، صص ۱-۲.
- (۱۲ رمضان ۱۲۸۹ق)، شماره ۵۲، صص ۱-۲.
- (۱۹ رمضان ۱۲۸۹ق)، شماره ۵۷، صص ۱-۲.
- (۲۰ رمضان ۱۲۸۹ق)، شماره ۵۸، صص ۱-۲.
- (۲۵ رمضان ۱۲۸۹ق)، شماره ۶۱، ص ۲.
- (۷ ذی‌القعدة ۱۲۸۹ق)، شماره ۸۷، ص ۲.
- (۸ ذی‌القعدة ۱۲۸۹ق)، شماره ۸۸، ص ۲.
- (۱۲ ذی‌القعدة ۱۲۸۹ق)، شماره ۹۱، ص ۱.
- (۱۵ ذی‌القعدة ۱۲۸۹ق)، شماره ۹۳، ص ۱.
- روزنامهٔ علوم (۱۲۸۶ق)، شماره ۱، صص ۳۲-۳۵.
- (۲۰ جمادی‌الآخر ۱۲۸۶ق)، شماره ۶، صص ۳۴۰-۳۴۱.
- (قره رمضان ۱۲۸۶ق) شماره ۱۰، صص ۶۰۷-۶۱۲.
- (۱۲۸۶ق)، شماره ۱۲، صص ۷۲۴-۷۴۲.
- (۱۵ ذی‌القعدة ۱۲۸۶ق)، شماره ۱۳، صص ۷۷۲-۷۷۷.
- (۱۲۸۶ق)، شماره ۲۰، صص ۱۲۳۸-۱۲۴۱.

ج. منابع لاتین

- Berkes, Niyazi (1970), *100 Soruda Türkiye İktisat Tarihi*, İkinci Cilt, Özdem Kardeşlar Matbaası, Divan Matbası, Gerçek Yayıneri.
- Çadırcı, Musa (1991), “Namık Kemalın Sosyal ve Ekonomik Görüşleri”, *OTAM*, Sayı12.
- Çağlayan, Toper (1980), *Osmanlı Dış Borçlarının Neden ve Sonuçları (1854-1923)*, Maliye Dergisi, Sayı 47, Maliye Tetkik Kurumu.
- Davison, Roderic h (1963), *Reform in the Ottoman Empire 1856-1876*, Princeton, Newjersey: Princeton University Press.
- Demir, Kenan (2019), *Osmanlı Basınına Göre Osmanlı Devletinin İktisadi Sorunları ve Çözüm-Önerileri (1831-1876 dönemi)*, Afyonkocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt.21, Say.14.

- Demir, Kenan (2022), *Hürriyet Gazetesine Göre Osmanlı Ekonomisinin Sorunları ve Çözüm Önerileri (1868-1870)*, International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic, Vol.12/31, Ankara.
- (2018), *Ali Suavinin İktisadi Görüşleri*, Bingöl Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergi, Yıl.8, Cilt.8, Sayı.16.
- (2018), *Osmanlıda Kalkınma Tartışmaları İbret Gazetesindeki Ekonomi Yazıları*, Ekonomik ve Sosyal Araştırmalar Dergisi, Cilt.14, Yıl.14, Sayı.12.
- Dürümoğlu, Filiz (2000), “Tanzimat Devrinde Vergi Sistemine Yapılan Reformlar 1839-1876”, Yüksek Lians Tezi, Anadolu Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- Kaplan, Melih Yücel (2011), “Omanlıda Tanzimat Sonrasında İktisadi Düşünce ve Namık Kemal”, Yüksek Lians Tez, Kırıkkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Ana Bilim Dalı.
- Karal, Enver Ziya (1999), *Tanzimat-ı Hayriye Devri 1839-1865*, Çağdaş Matbaacılık ve Yayıncılık Ltd.
- Kazgan, Gülten (2002), *Tanzimat'tan 21. Yüzyıla Türkiye Ekonomisi*, İstanbul: Bilgi Üniversitesi Yayınları, 22, Ekonomi 3.
- Kıray, Emine (1993), *Osmanlı'da Ekonomik Yapı ve Dış Borçlar*, İstanbul: İletişim Yayınları.
- Koloğlu, Orhan (1992), *Osmanlıdan Günümüze Türkiyede Basın*, İstanbul: İletişim Yayınları.
- Küçük, Cevdet, Tevfik Ertüzün (1994), *Düyun-ı Umumiyye*, Cilt 10, İstanbul.
- Mardin, Şerif (1996), *Yeni Osmanlı Düşüncesinin Doğuşu*, İstanbul: İletişim Yayınları.
- Mardin, Şerif (1996), *Yeni Osmanlı Düşüncesinin Doğuşu*, İstanbul: İletişim Yayınları.
- Pamuk, Şevket (2007), *Osmanlı-Türkiye İktisadi Tarihi 1500-1914*, İletişim Yayınları.
- Önsoy, Rifat (1988), *Tanzimat Dönemi Osmanlı Sanayii ve Sanayileşme Politikası*, İstanbul: İş Bankası Kültür Yayınları.
- Ortaylı, İlber (2007), *Batılılaşma Yolunda*, İstanbul: Merkez Kitaplar.
- Özdemir, Biltekin (2009), *Osmanlı Devleti Dış Borçları*, Ankara: Ankara Ticaret Odası Yayını.
- Şener, Abdüllatif (1990), *Tanzimat ve Osmanlı Maliyesi*, Hacettepe Üniversitesi İktisadi ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi, Cilt.8, Sayı2.
- Tevfik, Ebuzziya (1973), *Yeni Osmanlılar Tarih*, İstanbul: Hürriyet Yayınları.
- Le Mukhbir (31 Aout 1867), nr.1, ss.1, 2, 4.
- (5 October 1867), nr.6, ss.1-4.
- (26 October 1867), nr.9, s.4.
- (7 Novembre 1867), nr.11, s.4.
- (14 Novembre 1867), nr.12, ss.1-4
- (5 Decembre 1867), nr.15, ss.2, 4.
- (28 Mars 1868), nr.28, s.4.
- (13 Mai 1868), nr.34, s.4.

- (27 Mai 1868), nr.36, s.1.
- (3 Jun 1868), nr.37, s.1.

List of sources with English handwriting

Books

- Aliye, Fatma (1332), *Ahmet Cevdet paşa ve zamani*, {bījā}: Kanaat Matbaası.
- Balfour, John Patrick Douglas (1373), *Qūrūn-e Osmānī Zohūr va Soqūt Emperātūrī-ye Osmānī*, Trans (into persian) by Parvāneh Satāri, Tehran: Kahkešān.
- Ekmal al-din Ehsanoğlu (1397), *Dolet va Jāmae dar Doreye Osmānī*, Trans (into persian) by Ali kātebī, Tofīq Hāšempūr Sobhānī, Mehdī Golčīn Arefī, Hojat Faḡrī, Tehran: Ketāb.
- Entekhabi, Nader (1392), *Din, Dolat va Tajadod dar Turkīye*, Tehran: Hermas.
- Engelhardt, *Türkiye ve Tanzimat devlet-i Osmaniyenin Tarih-i Islahatı 1826dan-1882ye*, Trans (into ottoman Turkish) by Alī Rešād, Istanbul: qenāat ketābkānesī.
- Hamerpurgestal, Joseph (1369), *Tārīḡ-e Emperātūrīye Osmānī*, 5, Trans (into persian) by Mīrzā Zeki Aliābādi, Tehran: Zarin.
- Imber, Paul (1329), *Osmanlı İmparatorluğu*, Trans (into ottoman Turkish) by Hasan Farhad va moalem Anjel, {bījā}: Serat Matbaası.
- İnalçık, Halil and Seyidonlioğlu, Mehmet (1391), *Emperātūrī-ye Osmānī dar Asr Degargūnī-ye Tanzīmāt*, trans (into persian) by Rasūl Arabḡānī, Tehran: Pazhūheškade-ye Tārīḡ-e Eslām.
- İssawī, Charles (1368), *Tārīḡ-e Eqtesādīye kāvāre mīyāne va Afīrqāye šomālī*, trans (into persian) by Abdollāh Kosarī, Tehran: Papīrūs
- Karpat, Kemal (1399), *Tārīḡ-e Moktasar-e Turkīye 1800-2012*, trans (into persian) by Hasan Sādeqīyān va Mostafā Moharrāmī, Tehran: Elmī va Farhangī.
- Lapīdus, Ira M (1372), *Tārīḡ-e Javām-e Eslāmī*, trans (into persian) by Mohsen Modīršānečī, Mashhad: Bonyade Pežūhešhaye Eslāmī.
- Lewis, Bernard (1372), *Zohūr-e Turkīye-ye Novīn*, Trans (into persian) by Mohsenalī Sobhānī, Tehran: Motarjem.
- Raeisnia, Rahīm (1389), *Matbūāt dar Jahān-e Eslām (Osmānī, Turkīye, Qafqāz, Āsīyāye Markazī, Rūsīye va Tātārestān*, 2, Tehran: Ketābe Marja.
- Raeisnia, Rahīm (1374), *Irān va Osmānī dar Āstāneye qarne Bistom*, Tabriz: Sotūde.
- Shaw, Stabford J va Ezel kural Shaw (1370), *Tārīḡ-e Emperātūrīye Osmānī va Turkīye-ye Jadīd 1808-1975*, Trans (into persian) by Mahmūd Ramazānzāde, Mashhad: Moāvenate Farhangī Astan-e qods.
- Zurcher, Erik J (1397), *Tārīḡ-e Novīn-e Turkīye*, Trans (into persian) by Nafise šakūr va Hasan Hazratī, Tehran: Samt.

Newspapers

- *Tasvir-i Efkar Gazetesi* (1279),4 Safar, no.10, s3(in ottoman Turkish)
- (1279),25 Safar,no.16,s1(in ottoman Turkish)
- (1279),1 Rabī-al-Āḳar,no.26,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1279),22 Rabī-al-Āḳar,no.32,s2(in ottoman Turkish)
- (1279),2 Ramazan,no.68,s1(in ottoman Turkish)
- (1279),8 Ramazan,no.70,s2(in ottoman Turkish)
- (1280),20 Rajab,no.158,s1(in ottoman Turkish)
- (1280),24 Rajab,no.159,s2(in ottoman Turkish)
- (1280),2 Zelhajje,no.193,s1(in ottoman Turkish)
- (1281),1 Rabī-al Awwal,no.218,s1(in ottoman Turkish)
- (1281),22 Rabī-al Awwal,no.224,s1(in ottoman Turkish)
- (1281),3 Jamadi- al-Āḳar,no.244,s1(in ottoman Turkish)
- (1281),26 Zelqade,no.290,s1(in ottoman Turkish)
- (1281),15 Zelhajje,no.295,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1282),14 Moharram,no.305,s1(in ottoman Turkish)
- (1282),26 Rajab,no.353,s1(in ottoman Turkish)
- (1282),30 Rajab,no.354,s2(in ottoman Turkish)
- (1282),27 Šabān,no.359,s1(in ottoman Turkish)
- (1282),7 Ramazan,no.361,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1283),21 Jamadi- al-Āḳar,no.432,s1(in ottoman Turkish)
- (1283),2Ramazan,no.450,s2(in ottoman Turkish)
- (1286),2 Safar,no.726,s2(in ottoman Turkish)
- *Hadika Gazetesi* (1289),3,8 Ramazan, no.1, ss1-3(in ottoman Turkish)
- (1289),3,13 Ramazan,no.5,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,15 Ramazan,no.6,ss2-3(in ottoman Turkish)
- (1289),3,17 Ramazan,no.7,s1(in ottoman Turkish)
- (1289),3,19 Ramazan,no.9,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,20 Ramazan,no.10,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,8 Šavval,no.19,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,9 Ševval ,no.20,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,12 Ševval ,no.23,s1,3(in ottoman Turkish)
- (1289),3,16 Ševval ,no.25,s3(in ottoman Turkish)
- (1289),3,18 Ševval ,no.27,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,30 Ševval ,no.35,s1(in ottoman Turkish)
- (1289),3,3 Zelqade ,no.37,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),3,11 Zelqade ,no.43,s1(in ottoman Turkish)
- *Hürriyet Gazetesi* (1285),21 Rabī-al-Āḳar, no.7, s4(in ottoman Turkish)
- (1285),28 Rabī-al-Āḳar,no.8,ss1-2,4(in ottoman Turkish)

- (1285),13 Jamadi-al-Awwal,no.10,s1,3(in ottoman Turkish)
- (1285),20 Jamadi-al-Awwal,no.11,s2(in ottoman Turkish)
- (1285),17 Rajab,no.19,s7(in ottoman Turkish)
- (1285),24 Rajab,no.20,s6(in ottoman Turkish)
- (1285),2 Šaban,no.21,ss1-4,7-8(in ottoman Turkish)
- (1285),13 Šaban,no.22,ss1-2,5(in ottoman Turkish)
- (1285),7 Ramazan,no.26,ss4-5(in ottoman Turkish)
- (1285),5 Šavval,no.30,s1(in ottoman Turkish)
- (1285),13 Šaban,no.22,ss1-2,5(in ottoman Turkish)
- (1285),17 Zelqade,no.36,s3(in ottoman Turkish)
- (1285),24 Zelqade,no.37,s8(in ottoman Turkish)
- (1285),15 Zelhajje,no.40,s7(in ottoman Turkish)
- (1285),29 Zelhajje,no.42,s8(in ottoman Turkish)
- (1286),1 Moharram,no.45,s8(in ottoman Turkish)
- (1286),5 Safar,no.47,ss3-4(in ottoman Turkish)
- (1286),12 Safar,no.48,s8(in ottoman Turkish)
- (1286),22 Jamadi-al-Awwal,no.62,s3(in ottoman Turkish)
- (1286),28 Jamadi-al-Awwal ,no.63,s5(in ottoman Turkish)
- (1286),6 Zelqade,no.85,s2(in ottoman Turkish)
- *İbret Gazetesi* (1289),3 Jamadi-al-Awwal, no. 19, s1 (in ottoman Turkish)
- (1289),12 Šaban,no.30,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1289),12 Ramazan,no.52,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1289),19 Ramazan,no.57,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1289),20 Ramazan,no.58,ss1-2(in ottoman Turkish)
- (1289),25 Ramazan,no.61,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),7 zelqade,no.87,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),8 Zelqade,no.88,s2(in ottoman Turkish)
- (1289),12Zelqade,no.91,s1(in ottoman Turkish)
- (1289),15 Zelqade,no.93,s1(in ottoman Turkish)
- *Ulum Gazetesi* (1286), Tarihsiz, no.1, ss32-35(in ottoman Turkish)
- (1286), 20 Jamadi- al-Ākar,no.6,ss340-341(in ottoman Turkish)
- (1286),Gurre-i Ramazan,no.10,ss607-612(in ottoman Turkish)
- (1286), Tarihsiz,no.12,ss724-742(in ottoman Turkish)
- (1286),15 Zelqade,no.13,ss772-777(in ottoman Turkish)
- (1286),Tarihsiz,no.20,ss1238-1241(in ottoman Turkish)

